



گاهنامه ی رویش انجمن اسلامی مستقل / سال بیستم

شماره ی سی و چهار / آذر ۱۳۹۹ / قیمت : ۲۵۰۰ تومان

## سر مقاله

### # جوانی\_کنید

زهرا مطهری - بهداشت عمومی ۹۷

چندی پیش به مناسبت روز دانشجو، از وزیر جوانان توییتی دریافت کردیم، با این مضمون: «جوانی کنید».

راستش را بخواهید اندکی به فکر فرو رفتیم...

کجا بهتر است برای جوانی کردن؟! اصلاً چگونه جوانی کنیم؟! از چه راهی جوانی کنیم؟! و سوال مهم تر آنکه، در این بازار شام، اصلاً فرصتی هم برای جوانی کردن هست؟! بهتر نبود به جای آنکه ایشان به قشر دانشجو بگویند: جوانی کنید، به دوستان مسئولشان می گفتند: با این اوضاعی که ساختید، جوانانمان، چگونه جوانی کنند؟! اصلاً جوانی که دغدغهی بیکاری، بی پولی و هزار و یک مشکل دیگر را دارد، چگونه می تواند جوانی کند؟! جوانی که برخلاف نسل های گذشته اش، حتی از ازدواج هم محروم می شود؛ چون نه کاری دارد و نه توانی برای شروع زندگی!

جوانی که فکرش به هر راهی، برای اندکی جوانی کردن می رسد، بالاچار باید دست فکرش را بگیرد و در چهار دیواری اتاقش حبسش کند تا بلکه هوای جوانی کردن به کله اش نزنند. اصلاً گیریم که ما جوانی کردن را بخواهیم، بعید میدانم جوانی کردن، دلش ما را بخواهد!

با این قیمت های سر به فلک کشیده، اصلاً چه بخواهیم که بودجه اش با اندک بودجه ی ته جیبمان جور دربیاید؟! و این چنین می شود که جوانی کردن حتی در مخیله مان هم نمی گنجد و ما همچنان با گوشی بازمانده از دوران پیش از گرانی، در دستمان و اندک اینترنت کم سرعتش خوشیم، اگر بگذارند!

و در این میان، ما جوانان از این جا رانده و از آن جا مانده، در کمال تاسف، باید امیدمان را از مسئولین عزیز برداریم و تنها به خودمان و خدایمان امید داشته باشیم، باشد که رستگار شویم ...

و اما در این بین، الگوهای خوب کم نداریم، جوانانی که از حق جوانی شان گذشتند تا ما جوانی کنیم (که البته آن هم به لطف عزیزان مسئول، نقش بر آب شد).

جوانانی که زندگی ساده و پر از آرامشان، آرزوی هر جوانی در وضع کنونی است. اما متأسفانه، جوانان نسل های پیش که برای کشورمان افتخاری بودند، تک به تک از پیشمان پر کشیدند، دانشمندی که عمری را گذاشتند برای پیشرفت هر چه بیشتر کشور دلبنده شان... عمری پر از تلاش و مجاهدت، غافل از آنکه، پیام تسلیت دقیقه ی ۹۰ نصیبشان می شود.

و اما در این جا کشورهای دیگری وارد عمل شدند و جوانانی از نسل های دیروز و امروزمان، را از ما گرفتند. و چه شباهت تلخی ... جوانی و عمر دانشمندانمان به لطف دیگران لگدمال شد ... و جوانی ما هم به لطف مسئولین گرام ... خلاصه آنکه:

بر باد رفت در غم و حسرت، جوانیم/ بی آرزو چه سود دگر زندگانیم؟! بله. مسئول جوان خوش خیالمان، جوانی کردن ما این چنین است!

جوانی که برخلاف نسل های گذشته اش، حتی از ازدواج هم محروم می شود؛ چون نه کاری دارد و نه توانی برای شروع زندگی!

جوانی که فکرش به هر راهی، برای اندکی جوانی کردن می رسد، بالاچار باید دست فکرش را بگیرد و در چهار دیواری اتاقش حبسش کند تا بلکه هوای جوانی کردن به کله اش نزنند. اصلاً گیریم که ما جوانی کردن را بخواهیم، بعید میدانم جوانی کردن، دلش ما را بخواهد!

با این قیمت های سر به فلک کشیده، اصلاً چه بخواهیم که بودجه اش با اندک بودجه ی ته جیبمان جور دربیاید؟! و این چنین می شود که جوانی کردن حتی در مخیله مان هم نمی گنجد و ما همچنان با گوشی بازمانده از دوران پیش از گرانی، در دستمان و اندک اینترنت کم سرعتش خوشیم، اگر بگذارند!

و در این میان، ما جوانان از این جا رانده و از آن جا مانده، در کمال تاسف، باید امیدمان را از مسئولین عزیز برداریم و تنها به خودمان و خدایمان امید داشته باشیم، باشد که رستگار شویم ...

و اما در این بین، الگوهای خوب کم نداریم، جوانانی که از حق جوانی شان گذشتند تا ما جوانی کنیم (که البته آن هم به لطف عزیزان مسئول، نقش بر آب شد).

جوانانی که زندگی ساده و پر از آرامشان، آرزوی هر جوانی در وضع کنونی است. اما متأسفانه، جوانان نسل های پیش که برای کشورمان افتخاری بودند، تک به تک از پیشمان پر کشیدند، دانشمندی که عمری را گذاشتند برای پیشرفت هر چه بیشتر کشور دلبنده شان... عمری پر از تلاش و مجاهدت، غافل از آنکه، پیام تسلیت دقیقه ی ۹۰ نصیبشان می شود.

و اما در این جا کشورهای دیگری وارد عمل شدند و جوانانی از نسل های دیروز و امروزمان، را از ما گرفتند. و چه شباهت تلخی ... جوانی و عمر دانشمندانمان به لطف دیگران لگدمال شد ... و جوانی ما هم به لطف مسئولین گرام ... خلاصه آنکه:

بر باد رفت در غم و حسرت، جوانیم/ بی آرزو چه سود دگر زندگانیم؟! بله. مسئول جوان خوش خیالمان، جوانی کردن ما این چنین است!

نمایش وارونگی

دموکرات یا جمهوری خواه؟!!

سیاست های پورسی

متمسکان قدرت

دوراهی جعلی انتخاب

فمینیست، در خدمت زن یا بر علیه زن؟!!

مسیر اشتباه، عامل نرسیدن به هدف مقدس

صفحه ۶

صفحه ۴

صفحه ۳

صفحه ۲

صفحه ۵

صفحه ۳

صفحه ۵



## نمایش خانگی جولانگاه اشرافیت و ابتذال

## نمایش و آرونگی

مبین رئیسیان - پزشکی ۹۷



به تولید محتوا کردند؛ تولیداتی که نه تنها از فرم خوبی برخوردار نبودند؛ بلکه در زمینه محتوا هم حرفی برای گفتن نداشتند و صرفاً نمایشی پوچ و بی‌معنی از روابط نامربوط عاشقانه بودند.

در نبود نظارت درست و به موقع، نمایش خانگی تبدیل شد به عرصه و جولانگاهی برای نمایش اشرافیت آن هم در پوسته‌ای از ابتذال و دون‌مایگی. به مرور زمان تجمل‌گرایی و نمایش بی‌حد و مرز آن به اتفاقی رایج و معمول در این صنعت تبدیل شد. مخاطبان کاملاً با شخصیت‌ها و فرهنگ حاکم بر سریال‌ها بیگانه بودند و سریال‌ها تصویری از زندگی ارائه می‌دادند که از دیدگاه مخاطب ایرانی غریب و نامتعارف بود. تولیدات به جای بهره‌گیری از سناریوی قوی سعی داشتند با ارائه‌ای وارونه از فرهنگ و پرننگ کردن زرق و برق‌های ناپجا اعم از روابط نامتعارف عاشقانه و نقش پرننگ مادیات در زندگی، مخاطب را جذب خود کرده‌است تا نمایش خانگی خود به یک ناهنجاری فرهنگی تبدیل شود.

نمایش خانگی در چند سال اخیر توانسته دامنه‌ی تأثیرگذاری بر مخاطب را وسیع‌تر کند؛ غافل از آنکه نبود محدودیت‌های دست‌وپاگیر موجب شده‌است تا نمایش خانگی خود به یک ناهنجاری فرهنگی تبدیل شود.

حال اگر بخواهیم نمایش خانگی، دست‌آوردی برای فرهنگ و هنر جامعه‌ی

گسترش رسانه‌های ارتباطی و وجود تنوع در پلتفرم‌های ارائه محتوا امکان وسیع‌تری برای فرهنگ‌سازی و تأثیر بر مخاطب فراهم آورده‌است؛ اما باید حواسمان باشد همان‌طور که این پیشرفت‌ها امکانات جدیدی در اختیار ما می‌گذارند از سوی دیگر اگر روش استفاده درست از آنها را ندانیم می‌توانند صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی فرهنگ و هنر جامعه وارد کنند. نمایش خانگی در چند سال اخیر توانسته جای خود را در خانواده‌های ایرانی پیدا کند و مخاطبین زیادی را به خود جذب کند و دامنه تأثیرگذاری خودش بر مخاطب را وسیع‌تر کند. این صنعت به مرور زمان رشد کرد و اقبال مخاطبان باعث شد تا افراد زیادی از طیف‌های گوناگون به تولید محتوا در این قالب بپردازند و شاهد تولیدات گوناگون و متفاوتی باشیم. عدم وجود بعضی از محدودیت‌های دست‌وپاگیر در ابتدا خبر خوبی برای فیلم‌سازان بود که می‌توانستند با محدودیت‌هایی کمتر به تولید اثر بپردازند؛ اما با گذشت زمان نمایش خانگی دچار یک بی‌بندوباری فرهنگی شد و به جای فرهنگ‌سازی خود به یک ناهنجاری فرهنگی تبدیل شد.

در واقع نمایش خانگی رسالت خود که تولید محتوای مناسب و در شأن مخاطب بود را به باد فراموشی سپرد و فعالان این حوزه نیز درنمایش خانگی با رویکردی کاملاً تجاری شروع

## شعر و ادب

## فانوس

احد نظری - دندانپزشکی ۹۴



ماژیکی بردار و روی زمین مستطیلی رسم کن و درونش با هرچه که می‌خواهی پر کن؛ اما لطفاً خودت را مانند یک زندانی در آن محبوس نکن.

از تو می‌خواهم که در آن بنایی ارزشمند بسازی، یک کتابخانه و با حروفی ارزشمند پرش کنی.

با حروف کلماتی بساز و روی کاغذهای سفید رهایشان کن تا رقصان بروی کاغذها پخش شوند و تو نیز مسحور واژگان شوی. به آخرین صفحه که رسیدی، با جلدی زیبا آن کاغذها را گردآوری کن و نخستین کتاب را در یکی از قفسه‌ها بگذار تا به سراغ کتاب‌های دیگر بروی. لذت ببر از کتاب‌هایی که هرکدام تو را به جهانی تازه می‌برد. اکنون تورا بدرود می‌گویم و با بوی خوش این صفحات تنهایت می‌گذارم که غرق شوی و متوجه گذر زمان نشوی چرا که این خاصیت دنیای واژگان است.

اما فراموش کردم به تو بگویم که در این حوالی، شهر تاریک است. ساکنین آن مدت‌هاست که در مستطیل‌هایشان به انزوا رفته و ترک حیات کرده‌اند و اینجا را ظلمت فراگرفته‌است. پس از کتاب‌های فانوسی بساز و روشنایی حقیقی را به اینجا بازگردان.

## تلنگر

## قرن ۲۱ و مهمان ناخوانده اش

فائزه بهاء‌آبادی - بهداشت عمومی ۹۷

از اواخر سال گذشته با ورود ویروس کرونا به چرخه‌ی زندگی بشر، فصل تازه‌ای از جهان امروز گشوده شد.

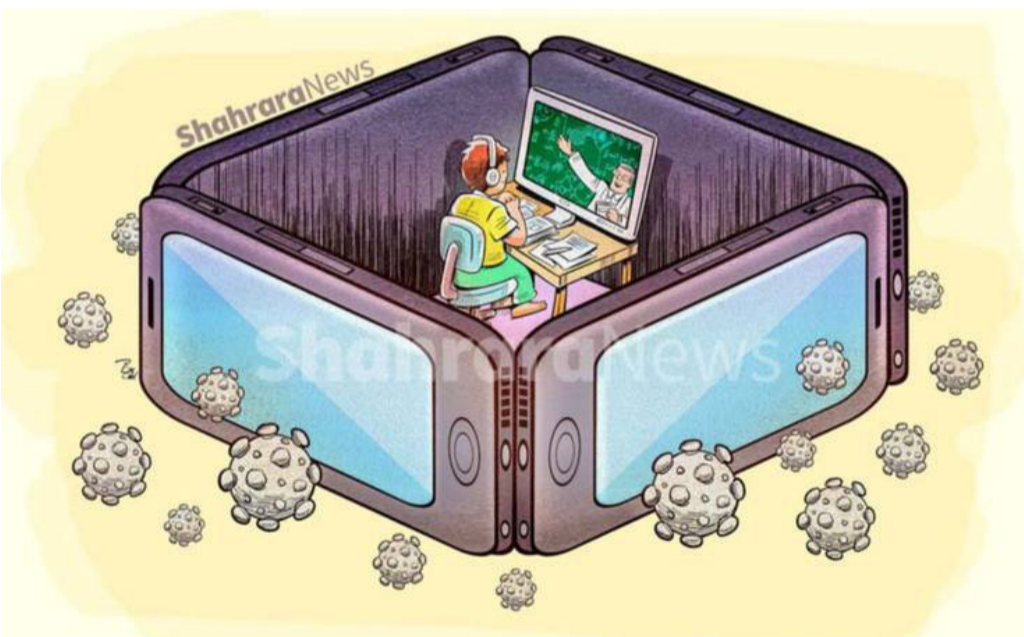
این مهمان ناخوانده، خیلی از کارهای روزمره زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داد و علی‌رغم پافشاری ما برای حفظ عادات گذشته، بر ما غالب گشت.

از این رو راهکارهای مختلفی برای کنترل این بیماری و قطع زنجیره انسانی آن به کار گرفته‌شد از جمله این راهکارها شامل شستشوی مرتب دست‌ها و ضدعفونی کردن آن، استفاده از ماسک، دستکش، در خانه ماندن، پرهیز از رفتن به اماکن شلوغ و پرتدد، مسافرت‌های غیر ضروری، رعایت فاصله یک تا دو متری و... می‌باشد.

تجربه این مدت به ما ثابت کرد که موضوع کرونا تنها با سیاست‌گذاری و تصمیم دولتمردان موثر نیست؛ بلکه این خود ما هستیم که برای ساختن جهان سالم‌تر، ایمن‌تر و به دور از کرونا باید مسئولیت‌های خود را در قبال محیط و آدم‌هایی که با ما در جامعه زندگی می‌کنند بپذیریم و نقش کلیدی خود را در غلبه بر ویروس کرونا ایفا کنیم. بنابراین؛ هر یک از ما موظف است با توجه به مسئولیت خود و رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری فیزیکی در حفظ سلامت خود و سایر اعضای جامعه بکوشد. به امید طلوع آفتابی که روزش از وجود ویروس کرونا پاک باشد.

## کار فرهنگی ارزشی به بزرگی خورشید

امینه شمس‌الدینی - پرستاری ۹۶



بسیاری از نقص‌ها را کمال و یا بسیاری از کمالات را نقص نشان داد و تبعات اجتماعی چون افزایش آمار طلاق در بین زوجین، افزایش آمار اعتیاد در جوانان و کاهش صمیمیت، مهرورزی و صفا در بین خانواده‌ها را دربر داشته‌است.

فرهنگ هر جامعه را می‌توان چون خورشیدی دانست که نورش به همه جا می‌تابد و هر صورتی را سرخگون می‌کند و اگر به خاموشی برود، کل آن جامعه را تاریکی در برمی‌گیرد و تبعات آن می‌تواند برای تمام افراد باشد.

خورشیدی که نورش را از افراد جامعه می‌گیرد و تک‌تک انسان‌ها در روشنایی آن دخیل هستند؛ بنابراین به قول جناب سعدی به عمل کار برآید، به سخندانی نیست!

می‌دهند بیشترین اوقات خود را در خانه بگذرانند و به دنبال آن، فضاها، کانال‌ها و شبکه‌های مختلف اینترنتی را دنبال کنند و با حجم عظیمی از عقاید و فرهنگ‌های گوناگون روبه‌رو شوند، که در ستیز با یکدیگر به دنبال پیروزی هستند.

در این میان نه تنها بحث کار فرهنگی مطرح می‌شود؛ بلکه کیفیت کار هم اهمیت پیدا می‌کند تا بتوان با رقبای قدر این معرکه به میدان رفت و پیروز شد.

برای روشن شدن تأثیرگذاری و اهمیت فرهنگ هر ملت می‌توان سیری در دهه‌های اخیر زندگی داشت و تفاوت را در سبک زندگی ملت‌ها مشاهده نمود، تفاوت در خانه، خانواده، نسل کودک و جوان. تمامی این تفاوت‌ها، ریشه در تغییر فرهنگ در گذر زمان دارد؛ تغییر فرهنگی که بسیاری از زشتی‌ها را زیبا،

فرهنگ، واژه‌ای نام‌آشناست که به تنهایی کلمات مهمی چون ارزش، عقیده، باور، هنر و... را در بر می‌گیرد.

کلمه‌ای که به راحتی نمی‌توان از کنار آن گذشت و از اهمیتش سخن نگفت؛ زیرا در عصر حاضر تبدیل به سلاحی بسیار مهم برای هر جامعه شده‌است که می‌تواند سبب سعادت یا ذلالت آن جامعه شود.

همان‌گونه که گذر از گرسنه‌ای جویای نان، رسم جوانمردان نیست، نباید در برابر فقر فرهنگی جامعه هم بی‌تفاوت بود.

مقام معظم رهبری بارها در سخنان خود خطاب به جوانان از جمله دانشجویان به اهمیت موضوع کار فرهنگی اشاره کرده‌اند.

اما، در این روزهای سخت که ویروس کرونا تمام زندگی مردم را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌است، نمی‌توان از موضوع کار فرهنگی نیز غافل بود، هر چند با محدودیت‌های حال حاضر دیگر نمی‌توان فعالیت‌های چهره به چهره انجام داد؛ اما باید توجه داشت که فضای مجازی سالیانست زندگی مردم را تحت‌الشعاع خود قرار داده‌است و با استفاده از فضای مجازی به راحتی می‌توان در حفظ و یا تغییر فرهنگ یک جامعه کوشید. بنابراین؛ فضای مجازی برای افرادی که نسبت به جامعه خود بی‌تفاوت نیستند و دغدغه کار فرهنگی دارند، بستر بسیار مناسبی برای اشاعه عقاید و ارزش‌های صحیح می‌باشد که سبب ایجاد جامعه‌ای سالم و مطلوب می‌شود که آرزوی هر دولت و مردمی ست.

حتی همین ایام درگیری جوامع با ویروس منحوس کرونا، فضای مجازی تا حد زیادی مردم را در شناساندن ویروس کرونا آگاه نموده‌است.

حتی شاید بتوان اعتراف کرد که این روزها کار فرهنگی اهمیت بسیار بیشتری هم نسبت به قبل داشته باشد، حالا که افراد برای حفظ سلامت خود، ترجیح

## یادداشت

### سیاست های بورسی

علیرضا اسدی - هوشبری ۹۶

از اوایل ظهور کرونا، با کاهش رونق بازارها عامه‌ی مردم سرمایه‌ی خرد یا کلان خود را به سمت درآمد از خانه بردند که یکی از کم‌زحمت‌ترین آنها بازار بورس بود.

بورس به دلیل الکترونیکی بودنش، تأثیر لحظه‌ای از خرید و فروش و قوانین حسابداری و تجارت می‌گیرد.

و در نتیجه اگر در لحظه، مقدار زیادی سرمایه وارد هر نماد بورسی شود، همان لحظه قیمت آن افزایش می‌یابد و بالعکس اگر سرمایه خارج شود قیمتش افت می‌کند.

تا اینجا کار را اکثرمان می‌دانیم. قضیه از آنجا شروع شد که با تشویق دولت، مردم بیش از حد به این بازار کشیده شدند.

قضیه داشت برای شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خوب پیش می‌رفت تا اینکه چندی پیش، اتفاقاتی پی‌درپی رخ داد که این بازار را بسیار متضرر و راکد کرد.

اینجا به بررسی چند مورد از اصلی‌ترین دلایل سقوط بورس ایران می‌پردازیم.

اول اینکه مسئولین عزیز کشورمان مردم را به ورود در این بازار بیش از حد تشویق می‌کردند؛ اما به دنبال ورود مردم به بورس، هیچ‌گونه آموزش یکپارچه و اصولی به آنها داده نشد و انگار یک کودک را پشت اتومبیل گران‌قیمتی بگذارید و بگویید که قطعاً به اهدافش نزدیک‌تر می‌شود، اما قاعدتاً ضرر زیادی به اتومبیل و خودش وارد خواهد کرد.

مورد دیگر حضور معامله‌گران حقوقی و به عبارت دیگر شرکت‌های بورسی بود؛ در حالی که نظارت آنچنانی روی آنها نبود و وقتی نظارت کافی بر روی این‌گونه شرکت‌ها نباشد، آن‌ها می‌توانند به خاطر منافع شرکت خود، کل بازار بورس را دچار شوک و به دنبال آن ضرر غیرقابل پیش‌بینی به بقیه‌ی سرمایه‌گذاران وارد کنند.

آن هم به دلیل حجم بالای سرمایه‌ای، که به دست آنهاست و می‌توانند به راحتی با قیمت بازی کنند. طوری که قیمت نمادها به طور حسابی بالا رفته و هر موقع که به اندازه کافی این حساب بزرگ شد، یواشکی یک سوزن به آن می‌زنند و تمام بادش را خالی می‌کنند.

مورد دیگر که باعث ضعف بورس در چند هفته‌ی گذشته شده‌بود، دستور جلوگیری از نوسان‌گیری در بورس بود. نوسان‌گیری استفاده از تغییر قیمت یک نماد در طول یک روز می‌باشد؛ یعنی شخص اوایل روز سهام را می‌خرد و در آخر روز می‌فروشد. با جلوگیری از نوسان‌گیری بسیاری از سهام‌داران که این روش را در پیش گرفته بودند، سرمایه‌شان را از بازار خارج کردند و بازار دچار افت نقدینگی شد؛ البته بعد از مدتی دوباره این قانون لغو شد که نوسان‌داری پس از مرگ سهراب بود. چرا که آسیب‌های آن غیر قابل جبران بود. مورد آخر، جوّ انتخابات آمریکا بود که باز هم توسط سیاستمداران داخلی و برای مقاصد سیاسی خود بسیار برجسته و موثر جلوه داده‌شد.

این جوّ روانی بعلاوه باعث رکود و افزایش قیمت در بقیه بازارهای داخلی نیز شد. مردم سرمایه خود را از بورس خارج و با آن ماشین و سکه و طلا و ارز می‌خریدند چرا که سود بیشتری داشت...

در جمع‌بندی می‌توان گفت عدم نظارت بر شرکت‌های حقوقی و ایجاد جوّی که اقتصاد داخلی را به انتخابات آمریکا متصل می‌کرد، تیرهای دولت بر پیکره‌ی تازه برافراشته‌ی بورس بود.

## بررسی توافق با آمریکا بعد از آمدن دولت جدید

# دموکرات یا جمهوری خواه؟!

محمد باهری - پزشکی ۹۴

سال ۹۲ غالب مردم ایران خسته از تحریم‌ها، به دنبال راهی برای خروج از وضعیت موجود و زندگی در شرایط اقتصادی عادی بودند، شرایط اقتصادی نرمال که حداقل حق مردم یک کشور است. در همان زمان کم‌کم بوی صلح و مذاکره می‌آمد و به‌طبیع آن، انتخابات سال ۹۲ ایران، تحت‌الشعاع این موضوع مهم قرار گرفت. کاندیدها وعده‌ی مذاکره و رفع تحریم‌ها سر می‌دادند، هرکسی با وعده‌ی دل‌ریزتر می‌توانست محبوب دل‌ها شود و راه پاستور را پیدا کند.

بالاخره انتخابات برگزار شد و اسم آقای روحانی از صندوق آرا بیرون آمد. ایشان با وعده‌ی آفتاب تابان برجام، رفع تحریم‌ها و حل مشکلات اقتصادی رای جمع کرده‌بود.

به جرئت می‌توان گفت داغ‌ترین وعده رییس جمهور به ملت شریف ایران وعده ۱۰۰ روزه بود، ۱۰۰ روزه که آقای روحانی قول داده بود مشکلات رفع شود، اما ۱۰۰ روز گذشت و مردم ایران تغییر خاصی در وضعیت زندگی خود مشاهده نکردند.

و برای اولین بار در ذهن عده‌ای این سوال پیش‌آمد که نکنند سایر وعده‌ها نیز عملی نشود! البته آقای دکتر روحانی بعدها به کل، این وعده را منکر شدند!

همانطور که گفته‌شد در سال ۹۲، غالب مردم خواستار مذاکره و رفع تحریم‌ها بودند، و اما کم‌کم پنج بعلاوه یک و ایران به جاهای خوب قسه برجام رسید. و برجام با اوبامای دموکرات امضا شد.

مردم، رییس جمهور و تیم مذاکره‌کننده شادمان از این توافق گل‌وبلبل بودند، و بار دیگر رییس جمهور به همراه وزیر امور خارجه، با وعده‌های جدید و این بار دل‌ریزتر ظاهر شدند!

ماه‌ها گذشت و تحریمی رفع نشد!

و برجام عملاً به جسم مرده‌ای تبدیل شده‌بود که تنها ترمز پیشرفت هسته‌ای و اقتصادی ایران را کشیده بود.

دوره ریاست جمهوری اوباما تمام شد.

بعد از اوباما، مرد مؤدب و باهوش (از دید رئیس جمهور ایران)، ترامپ پیروز انتخابات آمریکا شد و به این ترتیب او کامل از برجام خارج شد و تیر خلاص را بر پیکره‌ی نیمه‌جان برجام اوباما زد.

بدون شک می‌توان گفت که فرآیند برجام، نه تنها برای اقتصاد ایران مفید واقع نشد، بلکه اقتصاد ایران را بیسن دو فرابند رکود و پسرفت، نوسانی کرد.

در ذیل چندین بخش از معطلی اقتصاد ایران در دوره ماقبل برجام، برجام و بعد از برجام ذکر شده‌است:

● **خردداد۹۲:** با پیروزی آقای روحانی، بازار ایران درانتظار مذاکره با آمریکا به رکود رفت.

● **تیر ۹۴:** با امضای برجام سرمایه‌گذاری در ایران، به علت بوروکراسی و مجوز و ... نتوانست از فرصت پیش‌آمده، استفاده

کند.

● **آبان ۹۵:** با پیروزی ترامپ، بازار ایران در انتظار تصمیم ترامپ درباره برجام، دوباره به رکود رفت.

● **اردیبهشت ۹۷:** با خروج آمریکا از برجام و قطع امید ایران از افیون نفت، حمایت از تولید به تدریج شروع شد و تولید، اندکی پا گرفت اما...

● **آبان ۹۹:** با پیروزی بایدن، اقتصاد ایران به امید بازگشت پترودلارها دوباره به رکود رفت.

نتیجه تمامی این اعمال، دلار ۳۰ هزار تومانی و سکه ۱۳ میلیونی و مرغ ۳۵ تومانی ... شد. حال اگر امروز بعد از ۵ سال از مردم سوال شود آیا برجام در زندگی شما تأثیر مثبت داشته؟!

با جواب‌های جالبی روبه‌رو خواهید شد.

و اما بار دیگر با انتخاب رییس جمهور جدید آمریکا «جو بایدن» بازار شایعات در مورد مذاکره و بازگشت آمریکا به برجام داغ شد و از طرف مسئولان بلندپایه ایرانی نیز پالس‌هایی بر مذاکره داده‌شد.

اما اگر این شایعات واقعیت داشته‌باشد، آیا روحانی و تیمش بار دیگر با دموکرات‌های آمریکا وارد مذاکره خواهند شد؟

آیا با اینکه همین برجام نافرجام و خسارت محض، دست‌پخت مذاکره‌شان با دموکرات‌هاست و اولین کسی که نقضش کرد اوباما بود، بار دیگر به دنبال مذاکره خواهند رفت؟

اما از نوع ادبیات آقای ظریف و دیگر رفقاییش مشخص است که دلشان برای مذاکرات تنگ شده، و باز هم به دنبال راه‌اندازی بازی مذاکره، و مشغول کردن مردم با وعده‌های برجاسی و امیدواری‌های کاذب خواهند‌بود.

همچنین رییس جمهور بعد از ۵ سال اعلام کرده‌است که مذاکره با آمریکا و اجرای برجام به صورت تعهد در برابر تعهد خواهند‌بود.

آیا این را به عنوان پالس مذاکره مجدد حساب کنیم؟

یا درس عبرت آقای حقوق‌دان از مذاکرات قبلی!

و اما چه تفاوتی بین بایدن یا ترامپ وجود دارد؟

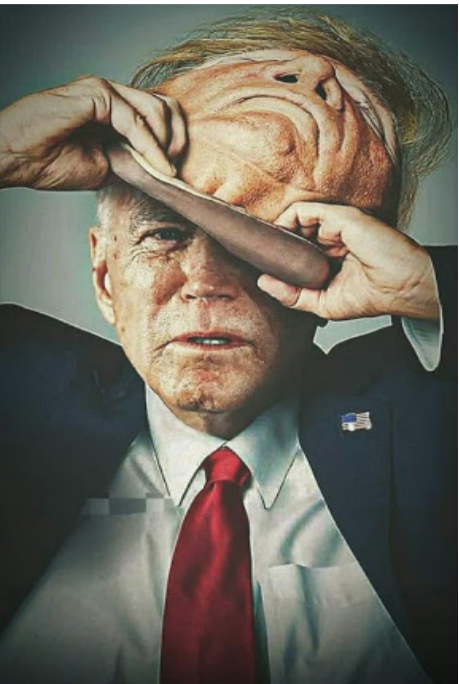
ادعای تفاوت بایدن و ترامپ در حالی مطرح می‌شود که تجربه‌ی توافق با اوبامای دموکرات که حامی اصلی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ بود، جلوی چشمان آقای روحانی و ظریف است؟!

و آیا آن‌ها به همراه مردم، شاهد بودند که یک رییس جمهور دموکرات چگونه مانع اجرای وعده‌های داده‌شده بود و حتی با تحریم‌های جدید آن را نقض کرد؟!

اکنون چرا بایدن که بخش اعظمی از تحریم‌های ایران در زمان حضورش در کاخ سفید رخ داده‌است، دشمنی‌اش با ایران کمتر شده و آماده رفع تحریم‌ها و مشکلات ایران است؟!

آیا آمریکا با مذاکره جدید، تحریم‌ها را بطور کامل برمی‌دارد؟

بی‌شک آمریکا از تمامی گزینه‌های روی میز خود در تقابل با



ایران استفاده کرده‌است و مطرح‌ترین گزینه‌ای که برای تقابل با ایران از آن یاد می‌شود تحریم است!

در واقع آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که از لحاظ تاکتیکی فقط تحریم می‌تواند جوابگوی نیاز آن‌ها، برای مهار ایران باشد.

آن‌ها هیچگاه سلاح به این مهمی را زمین نگذاشته‌اند مگر به صورت مقطعی و برای پیشبرد اهدافشان! و خوب می‌دانند که ایران نباید در مقابل تحریم‌ها واکنسینه شود.

درواقع برجام، برای آمریکا پلی به عقب محسوب می‌شود، که از این طریق می‌تواند ایران را از مصونیت در مقابل تحریم‌ها عقب اندازد و به کمک خارج کشور، امیدوار کند!

بایدن و ترامپ هر دو لبه یک قیچی هستند و برای شکسته شدن مصونیت ایران در مقابل تحریم‌ها تلاش خواهند‌کرد و تا زمانی که ایران به عنوان یک قدرت در منطقه حساب شود به هیچ وجه کوتاه نخواهد‌آمد.

و در آخر می‌توان گفت مذاکرات زمان دکتر جلیلی، با اینکه منجر به قرارداد برجام نشد اما برای کشور عایدی بیشتری نسبت به برجام داشت و این جمله دکتر ظریف را که هر توافقی بهتر از عدم توافق است را نقض می‌کند، البته در زمان اجرای برجام، آقای جلیلی یکی از منتقدان جدی برجام، این روزها را پیش‌بینی کرده‌بود و هشدار آن را داده‌بود، اما متأسفانه گوش شنوایی نبود.

یکی از مهمترین چالش‌های این دولت یا دولت آینده، مذاکره با آمریکا خواهد‌بود.

امید است سیاستمداران ما به درستی از برجام درس گرفته و به امید بایدن و دموکرات‌ها دست به مذاکره کور کورانه نزنند.

## دندان لق صداوسیما

راضیه فتح الله زاده - بهداشت عمومی ۹۶

از بد بودن این سیاست می‌دهد. اگر صداوسیما هر چه چه هست را بدون کم‌وکاست برای مردم بازگو می‌کرد لزومی نداشت مردم برای پیگیری اخبار داخلی کشورشان، از شبکه های بیگانه خارجی استفاده کنند.

برای مثال اتفاق اخیر می‌کند که در بازار مرغ ایجاد شد و به نوعی همه را درگیر کرد، شبکه خبر فقط برای اینکه باری از دوش خود بردارد چند تن از مسئولان را به برنامه دعوت می‌کند و مسئولان، این افزایش قیمت را به زمین دیگری پاس‌کاری می‌کنند و در آخر قیمت مرغ فقط در زیرنویس شبکه خبر کیلویی ۱۸ هزار و پانصد تومان است و گرنه در مغازه‌ها و فروشگاه‌ها قیمت از حدود ۳۰ هزار و خورده‌ای حکایت می‌کند.

کاش برای یک بار هم که شده به جای بخش جاذبه‌های گردشگری ایران عزیزمان گوشه‌ای از محرومیت‌ها و کمبودهای مناطق مختلف کشور را هم به تصویر بکشند.

اصلاً ی کاش می‌شد یک بار در برنامه‌ای جای مسئولان را، مردم پرکنند؛ تا بلکه همگی باخیر شوند که در مملکت عزیزمان چه می‌گذرد.

اصلاً به گمانم باید اسم سازمان صداوسیما را سازمان تکذیب گذارند چرا که هر خبری به گوش مردم می‌رسد را تکذیب می‌کنند خصوصاً افزایش قیمت‌ها را!

همانطور که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران فرمودند صداوسیما دانشگاهی است برای هدایت و تربیت مردم.

مردم باید از صداوسیما فرهنگ این آب و خاک را ، صداقت راه، فداکاری را بیاموزند.

مردم باید متوجه باشند که چه کسانی برای این نظام فداکاری می‌کنند و چه کسانی فقط برای پر کردن جیبشان شعار تشنه خدمت سر می‌دهند.

اما در این میان عده‌ای هستند که مخلصانه برای این نظام و انقلاب کوشش دارند و حتی جان عزیز خود را فدا می‌کنند بدون آنکه حتی اسمی از آنان برده‌شود.

ای کاش به جای اینکه این همه به سلبریتی‌ها بها می‌دادیم برای یک بار هم که شده نامی از دانشمندانمان می‌بردیم، دانشمندانی که گمنام زحمت می‌کشند و گمنام از میان ما می‌روند و خبر ترورشان را باید از رسانه‌های غربی بشنویم.

و صداوسیمای به اصطلاح همیشه در صحنه ما انگار فقط از اغتشاشات و درگیری‌های خیابان‌های آمریکا باخیر است و از تروری که در خیابان‌های همین کشور اتفاق می‌افتد، بی اطلاع است.

تروری که یکی از ارزشمندترین دانشمندان ما را از ما گرفت در حالی که هیچ کدام از ما ایرانی‌ها حتی نام ایشان را نشنیده بودیم در حالی که در رسانه‌های خارجی، خیلی از او صحبت به میان آمده بود.

حالا خودمان قضاوت کنیم صدا و سیمای ما قوی‌تر عمل می‌کنند یا رسانه‌های غربی؟!

مباحثه‌ای با آقای دستیار، دبیر سابق سیاسی اتحادیه انجمن‌های اسلامی

## تمسکان قدرت

فاطمه حاتمی - مامایی ۹۶

در سی‌وچهارمین شماره از نشریه‌ی رویش مفتخر به مصاحبه با آقای حمزه دستیار، دبیر سابق سیاسی اتحادیه انجمن‌های اسلامی هستیم تا نظر ایشان را درباره‌ی اتفاقات اخیر جویا شویم.

سلام، وقتتان بخیر.

به عنوان سوال نخست، لطفاً بفرمایید که با توجه به تحولات اخیر در آمریکا به نظر شما، انتخاب بایدن تاثیری در روند سیاسی-اقتصادی و ... در قبال ایران دارد؟

انتخاب بایدن به خودی خود تاثیری در روند سیاسی-اقتصادی آمریکا در قبال ایران ندارد و این روزنامه‌ها و رسانه‌های اصلاح‌طلب هستند که بر تاثیر بایدن در اقتصاد ایران مانور می‌دهند تا وضعیت ناسامان خود را در انتخابات ۱۴۰۰ و اذهان عمومی اندکی سامان دهند، اما مراحل بعد از انتخابات (مذاکرات و ارتباط کشورها) ممکن است بر روند سیاسی-اقتصادی ایران تاثیرگذار باشد.

به نظر شما منظور بایدن از یادداشت او مبنی بر «راه هوشمندانه‌تری برای سخت‌گیری بر ایران وجود دارد» چیست؟

دولت بایدن مثل دولت ترامپ سعی نمی‌کند که با فشار حداکثری و کاملاً واضح، ایران را تحت فشار بگذارد، بلکه تلاشش بر این است که از طریق مذاکره و گفتگو و کاملاً هوشمندانه وارد بشود و در قالب مذاکره و رفتار دیپلماتیک به ایران شدیدترین ضربه‌ها را بزند. همان‌طور که رفتار دموکرات‌ها به جمهوری اسلامی در سده‌ی اخیر، به مراتب خشن‌تر از جمهوری خواه‌ها بوده‌است که نیت خود را واضح به تصویر می‌کشیدند.

در بجهت انتخاب بایدن به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا و تغییرات قیمت دلار و اجناس در ایران؛ به نظر شما منشا این تغییرات چیست؟ و با توجه به این نوسانات دل خوش‌کننده، به دنبال چه هدفی هستند؟

ما سیاست‌گذارانی در راس امور داریم که غرب‌گرا هستند و برای این که در قدرت بمانند به هر چیزی متمسک می‌شوند. در حال حاضر چون بایدن، که اهل مذاکره است، رئیس‌جمهور شده‌است پس این‌ها جامعه را تحریک می‌کنند تا در ۱۴۰۰ دولت اهل مذاکره و گفتگو بر سر کار بیاید تا همچنان در قدرت بمانند و برای تحقق این امر باید تاثیرات روی کار آمدن بایدن را نشان دهند. به همین دلیل فشارهای معیشتی

که خودشان ایجاد کرده‌اند را کاهش می‌دهند، یعنی قیمت دلار کاملاً تحت اختیار دولت است و می‌تواند هر زمان آن را کاهش دهد پس دولت می‌تواند همزمان با انتخاب بایدن قیمت دلار را کاهش دهد تا مردم فکر کنند کاهش قیمت به علت انتخاب بایدن است.

همانطور که می‌دانید این روزها تیترا اخبار مختلف، موضوع ترور است شما اهداف و مقاصد آمریکا و صهیونیست را از این عمل پلیس چه می‌دانید؟

غربی‌ها، صهیونیست‌ها و اعراب حاشیه خلیج‌فارس با دیدن اشتیاق دولت ایران برای انتخاب دموکرات دیگر برای رئیس‌جمهوری آمریکا، متوجه خواستار آنها برای بازگشت به برجام شدند در این میان تیم صهیونیست می‌دانستند که هر چقدر به ایران ضربه بزنند ایران تا زمان برجام برای حفظ رابطه‌ی خود با آمریکا، هیچ واکنشی نشان نمی‌دهد پس این زمان را بهترین فرصت برای ضربه‌زدن به ایران دانستند. این موضوعی است که اصلاح‌طلبان از آن به عنوان صبر استراتژیک و انقلابیون، تله صبر استراتژیک نام می‌برند. در اینجا وظیفه‌ی مردم است که انتقام را مطالبه کنند.

موضع گیری ایران را تا به حال در قبال این ترور، چگونه دیدید؟

موضع‌گیری نیروها و نهادهای حاکمیتی بسیار خوب و در مقابل موضع‌گیری نیروهای دولتی و شورای عالی امنیت‌ملی بسیار بد بود. حتی در نامه‌ی تسلیت رئیس‌جمهور و برخی دیگر واژه دانشمند هسته‌ای ذکر نشده‌بود تا بتوانند به مذاکره برسند و در قدرت بمانند. پس قطعاً این‌ها انتقام‌گیرندگان اصیل این شهدای عزیز نیستند.

به نظر شما به چه علت بایدن، تاکنون در مورد ترور موضع‌گیری جدی نکرده‌است؟

انتظار نمی‌رود که بایدن در موضوع ترور، از ایران حمایت کند. نکته‌ای که باید توجه شود این است که در سیاست‌گذاری کلان آمریکا، جمهوری خواه و دموکرات نداریم و همه در سیاست‌گذاری کلان متحد هستند و درواقع در نوع رویکردهایشان تفاوت دارند؛ پس آنها در قبال این عمل خوشحال هم می‌شوند و حتی اگر نامه‌ای هم بدهند قطعاً ارزشی ندارد.

چرا برخی صاحب‌نظران معتقدند ترور شهید فخری‌زاده اوضاع را برای دولت بایدن چالش برانگیزتر می‌کند؟

احتمالاً به این دلیل است که این رفتارها درب‌های دیپلماسی را می‌بندد، از طرفی مصوبه‌ی مجلس ایران و خروج از پروتکل الحاقی را در پی دارد. احتمالاً اگر ایران



اقدام مقتدرانه‌ای انجام می‌داد، باید دسترسی بازرسان آژانس و بازرسان بین‌المللی از مسائل هسته‌ای را کم می‌کرد، باید ایران را به یک واکنش انتقامی تحریک می‌کرد و اگر بایدن بخواهد وارد مذاکره شود همه‌ی این‌ها به ضرر او است؛ چون همه‌ی این امتیازات را باید دوباره از ایران بگیرد.

علاوه بر این، این حرکت‌ها، تشنج در منطقه را افزایش می‌دهد و این تنش و تشنج مدیریت را برای آمریکا نیز سخت می‌کند؛ چراکه هر دو طرف درگیری را شامل می‌شود.

در پایان توصیه‌ی شما به عنوان یک فعال دانشجویی، به دانشجویان در قبال بازی‌های سیاسی و پافشاری بر دیپلماسی گذشته چیست؟

مهم‌ترین و اصلی‌ترین انتظاری که از دانشجوی می‌رود، مطالبه‌گری بر پایه اصرار بر آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی است. ما باید استقلال و امنیت کشورمان را به عنوان دو رکن پایه‌ای و تاثیرگذار از سیاست‌گذاران مطالبه کنیم، اگر این دو مورد محقق بشوند زمینه برای تحقق بقیه موارد هم فراهم می‌شود. پس دانشجوی در وهله‌ی اول باید از سیاست‌گذار مطالبه کند و سپس فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف مذاکره را برای مردم روشن و بازگو کند تا مردم هوشیارانه تصمیم بگیرند.

یکی از مهم‌ترین میدان‌هایی که نشان می‌دهد دانشجوی می‌تواند این کارها را انجام دهد انتخابات ۱۴۰۰ است. اگر ما بتوانیم مردم را روشن‌گری کنیم تا نتایج برجام را ببینند قطعاً به کسی که خواستار بازگشت به برجام است رای نمی‌دهند. البته نباید با مصداق‌ها، سعی در آگاه‌سازی مردم داشته باشیم بلکه این آگاه‌سازی باید به نحوی باشد که خود مردم، هوشیارانه تصمیم بگیرند.

حضور آمریکا در افغانستان به بهانه‌ی صلح و دستیابی به اهدافش

## جنگ داخلی افغانستان، به نام مردم، به کام آمریکا

مجتبی کشتگانی - پزشکی ۹۶

گاه و بیگاه خبر از حمله تروریستی به مراکز مختلف نظامی، امنیتی، بهداشتی درمانی، سیاسی و ... در افغانستان به گوش می‌رسد. از گروگان‌گیری مردم بی‌گناه، حمله به مدارس، حمله به مراسمات عززا و عروسی هم ابا و ترسی ندارند.

طالبان یا آمریکا؟ شاید هم هر دو.

ولی اکنون بحث طالبان است. از سال ۱۹۹۴ که اعلام موجودیت کردند و فعالیتشان را علیه نیروهای بیگانه و همچنین نیروهای خودی آغاز کردند، از حملات ۱۱ سپتامبر، تا نابودی آنها در سال ۲۰۰۱ که با حمله آمریکا به ایشان بود و سپس اعلام موجودیت دوباره در سال ۲۰۰۶ جنایات زیادی را به انجام رسانده‌اند. قتل‌عام هزاره‌ها در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۱ در ولایت‌های سرپل و بامیان از نمونه‌های کشتار جمعی آنها می‌باشد.

افغانستان هم بعد از خروج از زیر سلطه انگلیس، از همان ابتدا درگیر جنگ داخلی شد تا نتواند به مسیر پیشرفت و ترقی حتی فکر کند. جنگی طولانی با مجاهدین افغان که در طول یک دهه، جان بیش از دو میلیون غیرنظامی را گرفت و باعث آواره شدن بیش از پنج میلیون شد، حمله شوروی، طالبان و حمله آمریکا به این کشور خرابی‌های بسیاری را به بار آورده‌است. افغانستان در حال حاضر در

عین حال که با مقاومت مسلحانه طالبان و گروه‌های دیگری همچون شبکه حقانی در پاکستان و داعش درگیر است به کندی و با حمایت جامعه بین‌المللی در حال بازسازی است.

آمریکا هم این وسط نقش کسی را دارد که از کمره ماست می‌گیرد.

مثلاً آمریکا وارد افغانستان شده تا امنیت این کشور را تامین کند و در روند مذاکرات صلح شرکت کند تا ثبات به این کشور بازگردد؛ اما به هر میزان که نقش آمریکا در جنگ و صلح افغانستان پررنگ‌تر شود به همان میزان ناامنی و جنگ در این کشور افزایش پیدا می‌کند. انتخاب جنگ از سوی آمریکا در افغانستان برای این است که زمینه حضور درازمدت آن کشور در افغانستان فراهم شود تا اهداف منطقه‌ای خود را پیش ببرد.

بنابراین باید از مجاری دیپلماتیک و از طریق افزایش نقش مشروع کشورهای منطقه تلاش شود که این کشور جنگ‌زده به طرف صلح و ثبات پیش برود. اگر افغانستان بخواهد که از این مکافات‌ها رهایی یابد، ابتدا باید آمریکا را از خود دور کند تا فتنه‌ها دور شوند و سپس به مذاکره با شبه نظامیان داخلی و حل مشکلات داخلی بپردازد. هرچند که سرنوشت و راه نجات آنها باید با کمک کشورهای



منطقه که امنیت و ثباتشان با افغانستان به هم مربوط است، حل شود. مذاکرات بین دولت افغانستان و گروه طالبان که تا کنون نتیجه درخوری نداشته، هم‌اکنون در قطر پیگیری می‌شود تا سرنوشت قدرت در این کشور و ابعاد آن مشخص شود. هرچند بعید به نظر می‌رسد که مذاکرات با حضور و دخالت کشورهای که منافعشان به جنگ‌افروزی و عدم صلح گره خورده است همچون آمریکا، به نتیجه برسد.

در نهایت می‌توان گفت هرچه شود و هرکاری بخواهند انجام دهند خود ملت افغانستان باید انجام دهند نه طالبان وابسته به روسیه و نه دولت غرب‌گرای افغان.

### خبر تحلیلی

## بازگشت آذربایجان‌ها به خانه‌های ویران خود

عاطفه شفیعی - مامایی ۹۸

ششم مهرماه امسال تحولات در شمال رود ارس وارد مرحله جدیدی شد و دولت آذربایجان عملیات گسترده و همه‌جانبه‌ای را برای عقب راندن نظامیان ارمنستانی از منطقه قره‌باغ و بازپس‌گیری نقاط اشغالی آغاز کرد.

باکو عملیات آزادسازی مناطق اشغالی را پس از ۲۸ سال در حالی شروع کرد که کشورهای همسایه به‌ویژه ایران، تاکید ویژه‌ای بر حل مسالمت‌آمیز این بحران داشتند. نکته دیگری که در آغاز نگرانی‌هایی را به وجود آورد، ایجاد زمین‌های برای انتقال برخی از اعضای گروه‌های تکفیری از مناطق اشغالی شمال غرب سوریه بود که واکنش کشورهای همسایه را در پی داشت.

کشورهای مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران و سازمان ملل متحد این درگیری‌ها را محکوم کرده و خواستار کاهش تنش‌ها شده‌اند. در تاریخ ۱۰ اکتبر، با پیگیری روسیه و همکاری سازمان صلیب سرخ جهانی، بین دو کشور توافق آتش‌بس برقرار شد.

۹ نوامبر الهام علی‌اف، ولادیمیر پوتین و نیکول پاشینیان، روسای جمهور آذربایجان و روسیه و نخست‌وزیر ارمنستان، بیانیه مشترکی را امضاء کردند که به‌موجب آن از ساعت ۰۰:۰۰ به وقت مسکو درگیری‌ها در قره‌باغ به پایان رسید و آتش‌بس کامل برقرار شد.

متعاقباً نیکول پاشینیان در یک پست فیسبوکی خبر از امضاء قرارداد صلح با جمهوری آذربایجان داد. آرائیک هارتوتیانیان، رهبر جمهوری خودخوانده «آرتساخ» هم تن به پایان جنگ داد. این قرارداد صلح که ساعات اولیه ۱۰ نوامبر به امضای طرفین رسید، ایجاب می‌کند که ارمنستان و آذربایجان اسرای جنگی و اجساد کشته‌شدگان را مبادله کنند. افزون بر این، نیروهای مسلح ارمنستان تا ۱ دسامبر به ترتیب از شهرستان‌های کلیجر، آغ‌دام و لاجین عقب‌نشینی خواهند کرد.

حدود ۲ هزار نیروی حافظ صلح روسیه به فرماندهی سپهبد «رستم مرادوف» حداقل به مدت ۵ سال آینده برای حفظ امنیت دالان لاجین واقع در میان قره‌باغ کوهستانی و ارمنستان در آنجا مستقر خواهند شد. بنابر اطلاع جمهوری آذربایجان، نیروهای ترکیه نیز در فرآیند صلح‌بانی حضور خواهند یافت. در توافق‌نامه همچنین اعلام شده‌است که نیروی در یک نوار سرزمین‌های کشور ارمنستان نزدیک به مرزهای ترکیه و ایران برای تردد اتباع آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان ایجاد خواهد شد که نظارت و تضمین امنیت آن بر عهده نیروهای روسی خواهد بود.

در نهایت با توافقی که میان دو طرف به امضا رسید و میانجی‌گری روسیه جنگ در بیستم آبان ماه در منطقه قفقاز پایان یافت. "ولادیمیر پوتین" عصر بیست و هشتم آبان‌ماه در مصاحبه با رسانه‌های این کشور گفت: وضعیت نهایی منطقه قره‌باغ کوهستانی که مورد نزاع بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان است، همچنان نامشخص است.

به نظر می‌رسد در صورتی که هیچ یک از طرفین کوتاه نیایند و با یکدیگر به توافق برای اتمام جنگ نرسند و همچنین میانجی‌گری و دخالت‌های همچون ایران و روسیه نتیجه‌ای نداشته‌باشد، همچنان این مسئله ادامه‌دار بوده و جنگی چندین ساله پیش رو باشد که متأسفانه جان هزاران نظامی در آن گرفته می‌شود.

زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و مدرن انتخاب کند.

## دوراهی جعلی انتخاب

فاطمه کول - مامایی ۹۵



منحصر می‌کند. این تفکر زن را برای اندرونی می‌خواهد، اینکه پخت پز بکند، خانه را سامان دهد و بچه‌ها را تر و خشک کند؛ نه کاری به کار علم و اندیشه داشته باشد نه پیگیر فرهنگ و سیاست باشد نه از اقتصاد سهمی داشته‌باشد.

در این دیدگاه، زن موظف است در خانه بماند و فرزند و شوهر خود را سامان بدهد تا آنها چرخ جامعه را بچرخانند؛ آن قدر بسابد تا خودش هم ساییده شود.

تفکر سنتی عمدتاً مخالف حضور اجتماعی زن است و با تحصیل و کسب معارف میانه‌ی خوبی ندارد و پست‌تر است برای زن بهتر می‌داند؛ و خانه‌داری را یگانه فعالیت بلامنازع زن می‌داند.

علاوه بر این، در ترویج خانه‌داری نیز اقراط می‌کند و تمام فعالیت اجتماعی زنان را در همسری و مادری خلاصه می‌کند و

محاصل این تفکر، اگر زن در این دو نقش موفق نشود، ترشیده و اجاق کور تلقی می‌شود.

در این ایدئولوژی زن باید نقش ضعیف‌ی منفعل خود را بپذیرد تا مورد احترام قرار گیرد.

اما مدرن ها...

تفکر مدرن که زن را از آن طرف بوم به پایین می‌اندازد، اصالت را به حضور در اجتماع می‌دهد. حضور اجتماعی زن، یک حضور فرهنگی و معنوی نیست؛ منظور مدرن‌ها از حضور اجتماعی، مشخصاً تحصیل و شغل در درجه اول است.

در نظر مدرن‌ها، خانه‌داری ننگ است و مادری نه تنها افتخار نیست؛ بلکه اگر مانع پیشرفت‌ها

و در تکاپوست از انجام هر فعالیتی که مرد انجام می‌دهد باز نماند.

مشکل مدرن‌ها این است که با بیرون کردن زن از متن خانواده، بنیان خانواده را به شدت سست کرده‌اند.

حال آنکه زن امروز باید از این دو قطبی جعلی عبور کند و

بعداظهر یکی از همین روزها، در میانه‌ی کولاک کیفم

را به آغوش کشیده‌بودم؛ ماشین‌ها و اتوبوس‌ها زوزه‌کشان

در خیابان‌هایی که رویشان شن پاشیده‌بودند، از کنارم می‌گذشتند.

خسته‌تر از همیشه، جلوی تایمکس می‌ایستم، ترسم این

است که این قیافه خسته و داغونم را تشخیص ندهد؛ ولی

صدای بوق تایید می‌آید، شیفت خیلی شلوغی بود.

الآن با پای پیاده باید از این تپه‌های ناهموار برف فشرده

جلوی بیمارستان بگذرم تا به آن سوی خیابان برسم. این

وضع آدم را دیوانه می‌کند، خصوصاً اگر کسی مثل من

ذهنش در انبوهی از افکار پر باشد، درست مانند تل برف

کنار خیابان!

بچه‌تر که بودم، دوست داشتم درس بخوانم، مستقل شوم،

کاری داشتم باشم، صبح به صبح لباس‌های اتو کشیده‌ام را

پوشم و راهی محل کار شوم.

اولین بار که فهمیدم روزی، شغلی تحت عنوان خانه‌دار داریم،

خنده‌ام گرفت.

از همان نوجوانی خودم را با پیشبند و دستکش ظرف‌شویی، با

قابلمه قورمه‌سبزی در حال قل قل لوبیا و گوشت و سبزی با

کار در بیرون می‌دیدم.

همیشه چیزی مرا مابین این دو قلقک می‌داد.

طبیعی است اگر الان بیمارستان شیفت نبودم، حتما

کنار گاز مشغول آبکش برنج بودم و بخارش باید دستم را

می‌سوزاند.

از آخرین باری که آشپزی

کرده‌ام، حدود یک هفته‌ای

می‌گذرد.

علاوه بر من در همه‌ی تاریخ

زن‌هایی بودند که در پی

هویتشان با مردان گلاویز

می‌شدند.

به راستی کدام را باید انتخاب کرد؟

زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و زن مدرن

انتخاب کند.

تفکر سنتی که در عقب نگاه‌داشتن زن در فعالیت‌های

اجتماعی، ایفای نقش زن را در تربیت فرزند و شوهرداری

از آخرین باری که آشپزی کرده‌ام، حدود یک هفته‌ای می‌گذرد.

علاوه بر من در همه‌ی تاریخ زن‌هایی بودند که در پی هویتشان با مردان گلاویز می‌شدند.

به راستی کدام را باید انتخاب کرد؟ زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و زن مدرن انتخاب کند.

تفکر سنتی که در عقب نگاه‌داشتن زن در فعالیت‌های اجتماعی، ایفای نقش زن را در تربیت فرزند و شوهرداری

از آخرین باری که آشپزی کرده‌ام، حدود یک هفته‌ای می‌گذرد.

علاوه بر من در همه‌ی تاریخ زن‌هایی بودند که در پی هویتشان با مردان گلاویز می‌شدند.

به راستی کدام را باید انتخاب کرد؟ زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و زن مدرن انتخاب کند.

تفکر سنتی که در عقب نگاه‌داشتن زن در فعالیت‌های اجتماعی، ایفای نقش زن را در تربیت فرزند و شوهرداری

از آخرین باری که آشپزی کرده‌ام، حدود یک هفته‌ای می‌گذرد.

علاوه بر من در همه‌ی تاریخ زن‌هایی بودند که در پی هویتشان با مردان گلاویز می‌شدند.

به راستی کدام را باید انتخاب کرد؟ زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و زن مدرن انتخاب کند.

تفکر سنتی که در عقب نگاه‌داشتن زن در فعالیت‌های اجتماعی، ایفای نقش زن را در تربیت فرزند و شوهرداری

از آخرین باری که آشپزی کرده‌ام، حدود یک هفته‌ای می‌گذرد.

علاوه بر من در همه‌ی تاریخ زن‌هایی بودند که در پی هویتشان با مردان گلاویز می‌شدند.

به راستی کدام را باید انتخاب کرد؟ زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و زن مدرن انتخاب کند.

تفکر سنتی که در عقب نگاه‌داشتن زن در فعالیت‌های اجتماعی، ایفای نقش زن را در تربیت فرزند و شوهرداری

از آخرین باری که آشپزی کرده‌ام، حدود یک هفته‌ای می‌گذرد.

علاوه بر من در همه‌ی تاریخ زن‌هایی بودند که در پی هویتشان با مردان گلاویز می‌شدند.

به راستی کدام را باید انتخاب کرد؟ زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و زن مدرن انتخاب کند.

تفکر سنتی که در عقب نگاه‌داشتن زن در فعالیت‌های اجتماعی، ایفای نقش زن را در تربیت فرزند و شوهرداری

از آخرین باری که آشپزی کرده‌ام، حدود یک هفته‌ای می‌گذرد.

علاوه بر من در همه‌ی تاریخ زن‌هایی بودند که در پی هویتشان با مردان گلاویز می‌شدند.

به راستی کدام را باید انتخاب کرد؟ زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و زن مدرن انتخاب کند.

تفکر سنتی که در عقب نگاه‌داشتن زن در فعالیت‌های اجتماعی، ایفای نقش زن را در تربیت فرزند و شوهرداری

از آخرین باری که آشپزی کرده‌ام، حدود یک هفته‌ای می‌گذرد.

علاوه بر من در همه‌ی تاریخ زن‌هایی بودند که در پی هویتشان با مردان گلاویز می‌شدند.

به راستی کدام را باید انتخاب کرد؟ زن امروز، زنی که باید یکی را از بین زن سنتی و زن مدرن انتخاب کند.

## زیر ذره بین

### خط قرمزها

نگار نمک کوبی - علوم آزمایشگاهی ۹۸



برخلاف تصور عموم مردم، آمریکایی‌ها در تربیت و تعامل با فرزندان بی‌قیدوبند نبوده و خط قرمزهای مناسبی در این مورد دارند، که این خط قرمزها شامل تماشای برنامه‌های تلویزیونی نیز می‌شود.

بسیاری از خانواده‌های ایرانی تصور می‌کنند که خانواده‌های آمریکایی به کودکان و نوجوانان خود اجازه می‌دهند که به تماشای برنامه‌های نامناسب بپردازند و چه بسا که روشن‌فکرانها تشویق کودکان خود به تماشای این قبیل برنامه‌ها را الگوبرداری از فرهنگ غرب می‌دانند.

تحقیقات نشان داده که واقعیت کاملاً متفاوت از این تفکرات و باورهای غلط است؛ مانند عکس‌العمل خانواده‌های آمریکایی در برابر مسابقات سوپر بول. بازتاب این برنامه در آمریکا نشان داد که خانواده‌های آمریکایی نه تنها نسبت به تربیت فرزندان خود بی‌اهمیت نیستند؛ بلکه چند قدم جلوتر از برخی خانواده‌های ایرانی هستند.

چرا که آنها اجراهای بین دو نیمه مسابقات را نوعی ترویج بی‌بندوباری (مانند خود فروشی) می‌دانند و این برنامه‌ها را در کنار تبلیغات برای منع آزار جنسی (کمپین ootem) نشانه دورویی دانسته.

همچنین طبق مصاحبه‌ای که به صورت تصادفی در میان مردم آمریکا انجام شد، برخی آنها می‌گویند: همه برنامه‌ها مناسب تمام رده‌های سنی نیستند و تماشای آنها برای کودکان و نوجوانان و حتی در برخی موارد بزرگسالان (!) نامناسب می‌باشد و ارزش دیدن ندارد و باید برای تماشای این برنامه‌ها محدودیت‌هایی قائل شد.

برخی دیگر می‌گویند: بهتر است به جای پخش برنامه‌های نامناسب، برنامه‌های تربیتی اجرا شود. به‌ویژه که تلویزیون در میان رسانه‌ها تاثیر بیشتری بر نوجوانان و جوانان داشته و باید مراقب آنها بود.

از جمله راهکارهایی که والدین آمریکایی برای حفظ سلامت فرزندان خود در برابر تلویزیون استفاده می‌کنند، می‌توان به محدود کردن ساعات تماشای ایجاد سرگرمی‌هایی مانند کتاب، مجله، اسباب بازی، پازل و ... و نیز ممنوعیت استفاده از تلویزیون در اتاق خواب، خاموش کردن تلویزیون در هنگام صرف وعده‌های غذایی و تشویق فرزندان به تماشای برنامه‌هایی که والدین روی آنها مطالعه و تحقیق انجام داده‌اند، اشاره کرد.

رسانه‌های تلویزیونی نیز با توجه به راهکارهای تربیتی خانواده، برای هر شبکه و برنامه رتبه بندی را در نظر گرفته تا خانواده‌ها بتوانند به راحتی خط قرمزهای خود را حفظ کنند. (رتبه بندی‌ها: vT-vT, GP-vT, 41-vT, G-vT, 7Y-vT, Y لازم به ذکر است که بیشتر شبکه‌های تلویزیونی در آمریکا، کاردتی بوده و هر رده سنی نمی‌تواند به آنها دسترسی پیدا کند؛ حداقل نه به راحتی!

### فرق کردن قانون زنان، توسط مردان

## فمنیست، در خدمت زن یا بر علیه زن؟!

زهرا مطهری - بهداشت عمومی ۹۷

با کم‌رنگ شدن نقش زن در خانواده، نقش مرد به عنوان تامین‌کننده خود به خود رنگ می‌بازد.

و اینجاست که فمنیست به هدف خود که جهانی بدون محدودیت است، می‌رسد

و چیزی که در ظاهر «آزادی پوشش زن» است در باطن می‌شود «آزادی چشم‌چرانی مرد». مردی که بدون هیچ تعهدی، آزادانه امیال خود را ارضا می‌کند.

و در نهایت به جای آنکه برابری زن و مرد به سود زنان تمام شود، به سود مردان خاتمه می‌یابد.

بنابراین شاید عبارت «عدالت جنسی» بهتر از «برابری جنسی» باشد.

مقام معظم رهبری معتقدند «برابری جنسی» یکی از بزرگترین خطاهای تفکر غربی است.

یک مثال واضح آنکه زن، بدون توجه به ظرافت و توانایی‌اش، به کار مردانه اجبار می‌شود؛ اجباری که تفکر فمنیست به زنان جوامع القا می‌کند، که زن = مرد یک افتخار است.

و اما باید بدانیم که بهترین راه مقابله با فمنیست، اجرای درست دستورات اسلام است.

در آموزه‌های دینی زن از سه جهت تعریف شده‌است:

به عنوان یک فرد، عضوی از خانواده و عضوی از اجتماع.

از نظر اسلام، استقلال زن به گونه‌ای است که تمام وجود او در قبالت خانواده و اجتماع ذوب نمی‌شود اما در عین حال تعهداتی برای او به دنبال دارد؛ تعهداتی که هر یک از اعضای خانواده و حتی جامعه برعهده دارند.

و در نهایت حقیقت خوشبختی زن، در گرو نقش مادری و همسری است نه آزادی جنسی، حقیقتی که غربی‌ها بعد از سال‌ها شعار فمنیستی به آن رسیدند و این پایان مسیری است که ما تازه اول راهش هستیم.

از زنی که از شوهرش کتک می‌خورد حمایتی صورت نمی‌گیرد.

یا وقتی طرفداران تفکر سنتی و دینی آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و بست پای کتاب‌هایشان می‌نشینند و حتی اندکی فراتر از جلوی پایشان را نمی‌نگرند و به این تصور غلط، که اسلام مشکلات زن را حل نمی‌کند دامن می‌زنند.

و در این میان عده‌ای هم هستند که بیشترین خیانت را در حق زن و بزرگترین لطف را در حق فمنیست می‌کنند؛ آنان که سعی دارند از رواج فمنیست پیشگیری کنند و بیشتر رواجش می‌دهند!

کسانی که تصور می‌کنند هر گونه توجه به زن، ضدخانواده، ضد مرد یا کار فمنیستی است در حالیکه با این تعریف اولین فمنیست عالم خداست!

خلاصه آنکه آبی که ما با تفکرات و کارهای به دور از منطقمان گل‌آلود می‌کنیم، ماهی‌اش را آنهایی می‌گیرند که سعی در فاصله انداختن بین دین با زنان و جوانان دارند. و این چنین می‌شود که مرتب تفکرات غلط سنتی در پوشش دین، باز تولید می‌شود و به تعبیر رهبری ما می‌شویم موذن بدصدا.

و در این شرایط، فمنیسم که خیمه خود را روی بی‌توجهی به زن پهن کرده بیش از پیش برای حمایت از زنان آسیب‌دیده و پیشرفت همه‌جانبه‌شان گام برمی‌دارد.

اما همه چیز چنین گل و بلبل هم باقی نمی‌ماند؛

لیکن روشن است که تاکید افراطی بر استقلال زنان به جنگ خانواده آمده‌است.

و در این شرایط فمنیست با توهم آزادی از قیدوبند خانه و خانواده در زنان، با دور کردن آنها از فطرت خود، به جای آنکه آنها را شادتر کند، بیشتر افسرده‌شان می‌سازد.

نکته‌ی قابل تامل دیگر، نگاه حق محورانه و فارغ از انواع مسئولیت‌ها در فمنیست است؛ و به این ترتیب

از زنی که از شوهرش کتک می‌خورد حمایتی صورت نمی‌گیرد.

یا وقتی طرفداران تفکر سنتی و دینی آب به آسیاب دشمن می‌ریزند و بست پای کتاب‌هایشان می‌نشینند و حتی اندکی فراتر از جلوی پایشان را نمی‌نگرند و به این تصور غلط، که اسلام مشکلات زن را حل نمی‌کند دامن می‌زنند.

و در این میان عده‌ای هم هستند که بیشترین خیانت را در حق زن و بزرگترین لطف را در حق فمنیست می‌کنند؛ آنان که سعی دارند از رواج فمنیست پیشگیری کنند و بیشتر رواجش می‌دهند!

کسانی که تصور می‌کنند هر گونه توجه به زن، ضدخانواده، ضد مرد یا کار فمنیستی است در حالیکه با این تعریف اولین فمنیست عالم خداست!

خلاصه آنکه آبی که ما با تفکرات و کارهای به دور از منطقمان گل‌آلود می‌کنیم، ماهی‌اش را آنهایی می‌گیرند که سعی در فاصله انداختن بین دین با زنان و جوانان دارند. و این چنین می‌شود که مرتب تفکرات غلط سنتی در پوشش دین، باز تولید می‌شود و به تعبیر رهبری ما می‌شویم موذن بدصدا.

و در این شرایط، فمنیسم که خیمه خود را روی بی‌توجهی به زن پهن کرده بیش از پیش برای حمایت از زنان آسیب‌دیده و پیشرفت همه‌جانبه‌شان گام برمی‌دارد.

## درام تلخ ترمکی‌ها

حایه اسدی - مامایی ۹۶

نمی‌دانم تکرار غریبانه‌ترین روزهای دانشجویی تان چگونه سپری می‌شود؛ زمانی که یک ویروس منحوس! (که اگر گلش را هم جمع کنند به چند گرم نمی‌رسد) لذت شاد اولین دیدارها و اضطراب‌های درعین هیجان را از شما می‌گیرد. نمی‌شود تصور کرد تحمل مجازی کلاس‌ها بدون بچه‌ها و شیطنتها و چرت‌زدن‌هایش، بدون گفتن خسته نباشیدهای وقت و بی‌وقتی که صرفاً تلاشی برای حسن ختام به عرابض استاد است. بدون مزه‌پرانی‌های بی‌نمک‌ترین عضو کلاس که اتفاقاً خودش معتقد است بسیار خفن و بامزه تشریف دارد. بدون تحمل نگاه سنگین استاد زمانی که برای اولین بار با لفظ آقا یا خانم صدایش می‌زنند. خندیدن و سوژه‌کردن مسخره‌ترین چیزها حتی یقه اتو نخورده استاد که با کت صاف و صوفش دهن کجی می‌کند، بدون لحظات ناب نفهمیدن‌های جمعی میکروپ و درک نکردن همگانی آناتومی و آسودگی خاطر از اینکه بقیه هم حرف‌های استاد را نمی‌فهمند.

بدون خوشحالی عمیق بعد هر رست و در آخر دوی ماراتون رسیدن به سلف چقدر می‌تواند خسته‌کننده باشد.

اصلاً مگر می‌شود بعد از ۱۲ سال درس‌خواندن، مشتاق و انتگرال و کوفت و زهرمار خواندن، بعد از عبور از خوان کنکور که انصافاً امسال بس ناجوان‌مردانه سخت بود، یک گوشی دستتان بدهند و بگویند این هست دانشگاه، این بود کلاس و تمام پروفایل‌های نصف چشم و نصف دماغ و بعضاً گل و گیاه هم‌کلاسی‌هایت.

حتی به جای فانتزی معروف خوردن به جذاب‌ترین هم‌کلاسی و ریختن جزوه‌ها و عشق در نگاه اول، (همان‌گونه که در فیلم‌ها نشان می‌دهند) نهایتاً بتوانی در پی‌وی‌اش بروی و تازه بعد از کلی تلاش برای



زدن مخش، بفهمی طرف پسر بوده و گلی هم فامیل مبارکش هست نه اسمش!

و آخرش هم سردرناوری که چرا وقتی پسر است عکس درخت می‌گذارد پروفایلش، مردم آزار!

جداً این حجم از فشاری که به شما تازه‌واردها تحمیل شده‌است با کدام قانون نیوتون محاسبه می‌شود؟

مگر می‌شود اسم دانشجوی را یدک کشید در حالی که حال بد بعد از هر وعده غذای سلف، کلافگی کلاس‌های عمومی ۲ ظهر و استرس جاماندن از سرویس دانشگاه و نرسیدن به کلاس فلان استاد که از بدقابالی ما خیلی هم عُتق است، تجربه نکرد؟!

بعدها خاطرات شما از دوران ترمکی چه خواهد بود

به جز شکست‌های پی در پی در یافتن نیمه گمشده از بین عکس‌های نصف و نیمه‌ی اسنپ چتی، سایتی که بگیر نگیر دارد، استادی که تنها وظیفه خطیر تکلیف بارگذاری کردن را درست انجام می‌دهد و روزهایی که دستتان استاد، دهانتان استاد و صبحتان را با فحش به جزوه شروع می‌کنید؛ اما رفیق عزیز اندک ترم من، بدان و آگاه باش که در حال سپری کردن شیرین‌ترین روزهای زندگی هستی، شیرینی که اگر چه گاهی گلویت را می‌زند؛ اما زود تمام می‌شود.

و از این پس اشک‌ها و خنده‌ها، دلنگی‌ها و ذوق‌هایی را خواهی دید که دیگر هیچ‌وقت برایت تکرار نمی‌شوند.

پس قدر بدان و استفاده کن.  
لذت ببر، کیف کن و خوشحال باش.  
حتی به غلط!

## سخن دوست

### هم دانشگاهی سلام

زهرا صفری - اتاق عمل ۹۸



حال که پس از گذشت سالی پر از اضطراب، ابهام و دل‌نگرانی، تلاش‌هایتان نتیجه داده‌است و اکنون نام دانشجوی را یدک می‌کشید خوشامدگویی ما را بپذیرید.

هر چند که دست به گریبان شدنمان با ویروس کرونا، فرصت کنار هم بودن، ساختن خاطرات جدید و حال خوب را از ما گرفته؛ اما امیدمان به خدا و مدافعین سلامت کشورمان، مانع ناامیدی‌مان از آینده است.

از هر چه بگذریم سخن دوست خوش‌تر است.

نمی‌دانم از ورودتان به رفسنجان و قبولیتان تا چه حد خوشحال یا ناراحت هستید، آنچه مسلم است آنکه تنها یک مسیر برای موفقیت و شادی شما در دنیا نیست و بی‌نهایت راه خوشبختی در زندگیتان خواهید یافت؛ بنابراین پیش از داشتن هر شغل و موقعیتی، شادی را بیاموزید.

در این میان اما باید دید که انتخاب دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، به عنوان محل رشد و تعالی و ادامه تحصیلتان نشان از دقت نظر و حسن توجه شماست یا نشان از بی‌دقتی شما! از دید یک دانشجوی سال بالایی به شما می‌گویم شاید انتخابتان بی‌نقص نباشد اما مطمئناً بخش مهم و جذابی از خاطرات بهترین دوران زندگیتان می‌شود؛ بنابراین بار دیگر ورودتان را به دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، گرمای می‌داریم.

هرچند به علت شیوع این ویروس منحوس، نتوانستیم آن‌گونه که شایسته شماست، ورودتان به دانشگاه را در کنار هم جشن بگیریم. به امید روزی که بدون هیچ نامی از کرونا و بی‌هیچ دغدغهای در کنار هم فرصت یادگیری علم و تجربه را داشته‌باشیم.

حال اگر از دانشگاه سوال کنید؛ باید بگوییم که دانشگاه کار خود را از سال ۱۳۶۵ آغاز کرد. و در ابتدا با عنوان دانشگاه علوم پزشکی کرمان در رشته پرستاری و پزشکی فعالیت کرد، تا اینکه در سال ۱۳۷۰ استقلال یافت و با عنوان دانشکده علوم پزشکی، فعالیت خود را ادامه داد و تبدیل شد به چیزی که الان هست؛ همینطور دانشگاه ناشر یک مجله تخصصی است و تاکنون دو همایش برگزار کرده‌است. علاوه بر این ۱۴۱۰ مقاله معتبر بین‌المللی نیز از این مرکز استخراج شده‌است.

بر اساس تحلیل‌های انجام‌شده، این دانشگاه تاکنون ۲۸۲ مقاله علمی در نشریات و همایش‌های داخلی منتشر کرده‌است؛ علاوه بر این تاکنون در حدود ۵۰۰۰ نفر از این دانشگاه، فارغ‌التحصیل شده‌اند. از نظر کیفیت آموزشی در این دانشگاه، می‌توان به کثرت قبولی فارغ‌التحصیلان آزمون‌های ورودی به مقاطع بالاتر اشاره کرد.

به امید آن روزی که شاهد موفقیت‌های بی‌چون و چرای همگی شما در مقاطع بالاتر باشیم.

### تبدیل دانشجوی با هدف خدمت به خلق، به آدم‌های صرفاً مادی‌گرا

## مسیر اشتباه، عامل نرسیدن به هدف مقدس

سجاد رنجبر - پزشکی ۹۳

مفهوم دانشجوی در دانشگاه زیرمجموعه‌ی وزارت علوم با وزارت بهداشت، متفاوت است. اگر کسی در دانشگاه‌های زیرمجموعه‌ی وزارت علوم بر مسندی تکیه می‌زند، عمدتاً حول محور دانشجوی و مسائل پیرامون آن است.

اما در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی چون درمان، بهداشت و سلامت یک شهر یا استان مستقیماً زیرمجموعه‌ی دانشگاه علوم پزشکی می‌باشد؛ همواره دغدغه‌ی مسئولین علوم پزشکی‌ها ابتدا قسمت درمان، بعد بهداشت و سلامت و اگر فرصتی باقی بماند، در گوشه‌ی ذهنشان، بحث آموزش پزشکی را مد نظر خواهند داد. در نتیجه همیشه آموزش پزشکی و دانشجوی در اولویت‌های آخر دانشگاه‌های علوم پزشکی قرار می‌گیرد.

همچنین در قوانینی که تصویب می‌شود، همواره در حق دانشجویان ظلم می‌شود.

به عنوان مثال طبق قانون مصوب، ساعت کار دانشجویی ۵ الی ۸

هزار تومان، آن هم حداکثر ۱۰۰ ساعت در ماه در نظر گرفته شده‌است؛ در نتیجه دانشجویانی که قصد کار دارند، حتی از حداقل حقوق ساعت‌کاری مصوبه‌ی وزارت کار کمتر دریافت می‌کنند.

مثلاً دانشجوی کارشناسی فوریت‌پزشکی، وقتی ۲۴ ساعت شیفت می‌دهد، حقوقش تنها ۱۲۰ هزار تومان است.

در حالی که حداقل باید دو الی سه برابر این مبالغ را دریافت کند.

یا دانشجوی پرستاری که طی قرارداد با دانشگاه، هم همین مبلغ ناچیز را دریافت می‌کند! و یک دانشجوی پزشکی هم نصف حداقل حقوق مصوبه‌ی وزارت کار!

بنابراین، اگرچه برچسب نیروی آموزشی به دانشجویان می‌زنند اما در عمل، آنها به بیگاری گرفته می‌شوند.

جالبی مسئله اینجاست که هر کجا که قانونی به ضرر خود و به نفع دانشجوی باشد، می‌گویند شما نیروی کار و مثل بقیه پرسنل بیمارستان هستید و هر کجا که قانونی به نفع خود و به ضرر دانشجوی باشد به گونه‌ای تفسیر می‌کنند که شما دانشجوی هستید و نیروی آموزشی!

حالا این دانشجوی فارغ از تحصیل، بعد از سربازی با حقوق ۴۰۰ هزار تومان! می‌خواهد سر کار برود، در ابتدا که خبری از استخدام نیست و اگر کاری هم باشد به صورت قراردادی

با شرکتی با حقوق بسیار پایین‌تر از فرد استخدامی خواهد بود!

اگر حقیقت وجودی این شرکت‌ها را پیگیری کنید می‌بینید که متأسفانه این شرکت‌ها به صورت قانونی، از یک سمت جیبی برای یک عده می‌سازند و از سمت دیگر، راه‌گریزی از استخدام نیروی کار توسط دولت است.

و در واقع شرکت‌های خدماتی مسیری قانونی برای دور زدن، پرداخت حق و حقوق پرسنلی است.

به عنوان مثال دولت وقتی فردی را استخدام می‌کند و طبق قانون می‌بایست ۱۰ میلیون تومان به همراه سایر خدمات به وی اعطا کند، اما این وسط شرکتی برای آن ارگان تامین نیرو می‌کند و به آن نیروی کار ۶ میلیون تومان حقوق، بدون هیچ گونه خدماتی می‌دهد و در ادامه از آن ارگان برای این نیرویی که تامین کرده‌است، ۸ میلیون می‌گیرد، این وسط عملاً این حق ضایع شده پرسنل بین ارگان و شرکت تامین نیرو تقسیم می‌شود.

در ضمن عمده‌ی این شرکت‌ها متعلق به یکی از مسئولان فعلی یا اسبق می‌باشد!

این آسیاب به نوبت است و دانشجوی فعلی، فردا روزی بر همان مسند خواهند نشست و مسئول خواهند شد، وقتی با وی این‌گونه برخورد شود؛ در نتیجه آن فرد هم همان‌گونه برخورد خواهد کرد و این دور باطل همچنان ادامه پیدا می‌کند.

و این بخشی از آن مسیری است که عمده‌ی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی طی خواهند کرد و مسئولین محترم نقش بسیار پررنگی در این زمینه ایفا می‌کنند.

حالا بهتر متوجه خواهیم شد که چرا و چطور از دانشجویانی با انگیزه‌ی خدمت صادقانه به مردم و علاقه به پزشکی و سایر رشته‌ها، افرادی صرفاً با تفکرات مادی شکل می‌گیرند که بعضاً به خاطر عدم تمکن مالی بیمار، از دادن خدمات درمانی سر باز می‌زنند و با بیمار و همراه وی نیز با توهین و تحقیر رفتار می‌کنند و به این ترتیب دیگر از آن اهداف اولیه مقدس خدمت به خلق، جز پوسته‌ای باقی نمی‌ماند.

از آنجایی که مسئولین دانشگاه‌های علوم پزشکی، الویت آخرشان دانشجوی است؛ همواره با تصویب قوانین مختلف، در حق دانشجویان ظلم می‌کنند. و این چنین دانشجویان با انگیزه‌ی خدمت صادقانه به مردم را به افرادی مادی‌گرا تبدیل می‌کنند و آنها را در دوری باطل قرار می‌دهند.

# تویت گردی



**Sardar Malekshahi** @Sarda... ۲۰۰ آوریل  
یک نفر از مدیران بالا پرسد چنانچه محترم جوانی که:  
نه کار دارد  
نه امید  
نه عشقی برای آرامش  
نه بیمه ای  
نه درآمد  
و نه آرمانی  
چگونه به جواب سوال خود برسد که رسالت خودش از آفرینش چه بوده است؟  
[#همه\\_در\\_پیشگاه\\_حق\\_مسئولند](#)



**MJ Azari Jahromi** @azarijah... ۲۰ شهریور  
دانشجویان عزیز روزتون مبارک. یک توصیه کوچک: «جوانی کنید».

۱۶ شما بازتوییت کردید  
**یار مهربان** @yaremhra... ۹۰ ژوئیه  
ماسک زدن یعنی حق الناس نسبت به کادر درمان و سایر مردم...  
**ماسک بزنیم**



**Ali Gholhaki** @agh\_Plt ۲۰ دسامبر  
ساعت اول ترور شهید فخری زاده، سختگوی انرژی اتنی خیلی صریح گفت که این شهید، هسته ای نبوده! حالا عکسهای شهید فخری زاده با روحانی را تمام قد در صفحه ی یک خود کار کردند که انگار او معمار اصلی برجام بوده!  
مدال "فخری زاده" بابت پدافند هسته ای و دلجویی بابت تعطیلی این صنعت بوده!

**تور دوم**

لکبه خفیه/ @cold\_sun1 ۲۰ شهریور  
وقتی چه می میگه جوانی کنی همچنان ما:

**MJ Azari Jahromi** @azarijah... ۲۰ شهریور  
دانشجویان عزیز روزتون مبارک. یک توصیه کوچک: «جوانی کنید».



**Pasdar f.pasdar** @PasdarF... ۱۰ اردیبهشت  
کی فکرش رو می کرد زمانی به ندیدن طولانی مدت عزیزانمون عادت کنیم؟  
به خوننشینی، دوری، کار با شرایط و ضوابط خاص... ما حتی به شنیدن خبر روزانه تعداد فوتی های **#کرونا** هم عادت کردیم! اما ای کاش این بار عادت نمی کردیم...



**Pasdar f.pasdar** @PasdarF... ۵۰ نوامبر  
برای ما بچه یتیم های حاج قاسم پابند و ترامپ فرقی ندارد. حکایت ما و آمریکا دیگر حکایت پدرکشتگی است!  
**سردان سلیمانی**  
[#انتخابات\\_۲۰۲۰](#)

**Sardar Malekshahi** @Sarda... ۴۰ ژوئن  
مردمان نظام نئولیبرال و سرمایه داری آمریکا فریب نمتوانیم نفس بکشیم سر می دهند!  
اما دولت کنونی ایران ۷ سال خواست نئولیبرال را زیرسازي کند!  
روند سرمایه داری پلایي است که باعث می شود کودک ساکن **#دروازه** غار نداند آرزو چیست و کودک ساکن زعفرانیه تهران آرزو داشتن مازراتی دارد!  
[#اصلاحات](#)

**محمد رضا کردلو** @kordlo68 ۱۲۰  
حسابات امثال اردوغان را بگذارید پای ثبات ایران. ما چنده برابر عمر ترکیه 100 ساله با ثبات، با تنوع بی مثال از اقوام در کنار هم زندگی می کنیم. اما اردوغان برای تنفس مصنوعی حزب خودش، به ترک و کرد و ارمنی رحم نکرده است. ملعون

**مدافع جادر حضرت زهرا آ...** ۲۰ دسامبر  
شهید فخری زاده دانشمندی بود که برای اثبات این ادعا که ما بدون مذاکره و همراهی دیگر کشورها میتوانیم به دست آوردهای زیادی برسیم همه عمر خود را وقف تلاش و خدمت به مردم کرد  
**تور دوم**  
[#رسوایی\\_خبرگزاری\\_دولت](#)



**روای ناتمام** @sajede\_6800 ۲۰ دسامبر  
پشت پرده ترور ناجوانمردانه دانشمند هسته ای چه کسانی هستند که باز هم با دروغ رسانه ای می خواهند جسد برجام رو زنده کنند؟  
منفعت طلبی و کاسبی برخی ها با اسم شهید...  
پ.ن:  
اعطای مدال به شهید فخری زاده به دلیل دستاوردهای هسته ای شهید بوده نه برجام...  
**تور دوم**  
[#رسوایی\\_خبرگزاری\\_دولت](#)

**Zahra** @Zahra55731564 ۱۰ دسامبر  
خبرگزاری وابسته به دولت و اعضای دولت که تا دیروز از معرفی شهید فخری زاده به عنوان دانشمند هسته ای امتنا می کردند. حال چگونه ورق برگشت و شهید یک شبه تبدیل شد به دانشمند هسته ای و معمار مذاکرات هسته ای؟ خون شهید مقدس تراز توجیه برجام نافرجام است. **#تور دوم**  
[#رسوایی\\_خبرگزاری\\_دولت](#)

**علیرضا فیروزی** @alirezafiroozi ۱۲۰ اوت  
امارات متحده با توافق اخیر و ایجاد روابط با رژیم صهیونیستی، آینده را برای اسرائیل تغییر نخواهد داد.  
اما با در پانلانی گذاشت که لحظه لحظه همگام با اسرائیل، آینده را به کام شیوخ بی غیرتش تلخ خواهد کرد.  
این وعده خداست: «ان الباطل کان زهوقاً»  
**بن زایه الصهونی**  
[#التطبيع\\_خیانة](#)



**Abolfazi Mazaheri** @a... ۱۰ دسامبر  
جزایر ابته که رئیس جمهور شنبه بعد از اینکه همه پیام دادن، ترور یک دانشمند را تسلیت گفته، بعد که عکسش را دیده متوجه شده عه، همونه که مدال خدمت پهبش داده و شهید هسته ای بوده!



## شناسنامه

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان

مدیر مسئول: علی محمدپور

سردبیر: زهرا مطهری

مدیر هیات تحریریه: فاطمه حاتمی  
ویراستار: مهدیه جرجندی پور

با تشکر ویژه از خانم دریجانی  
و با همکاری خانم پاسدار

مدیر هنری: محمد باهری

## دعوت به همکاری

اگر اندک ذوق و سرسوزن علاقه ای به نوشتن دارید...  
فرصت رو از دست ندید!  
برای همکاری با نشریه رویش با آیدی تلگرام زیر در ارتباط باشید:

@Ftm\_hatami76

راه های ارتباطی با انجمن اسلامی:

@rums\_anjoman

@rumsanjoman\_ir